

دانشگاه علامه طباطبائی  
پایان نامه دکتری فلسفه هنر

مبانی الهیاتی - فلسفی شمایل در هنر مسیحی

استاد راهنما: دکتر شهرام پازوکی

اساتید مشاور:  
دکتر محمدرضا حسینی بهشتی  
دکتر غلامعلی حاتم

دانشجو: امیر نصری

تابستان 1387

چکیده ..... 6

مقدمه ..... 8

### بخش اول: ملاحظات روش شناختی

1. روش و رهیافت شمایل نگاری ..... 20

1.1 (1) تعریف شمایل نگاری ..... 20

1.1 (2) رهیافت های شمایل نگاری ..... 22

1.1 (3) الگوی پانفسکی ..... 25

1.1 (4) مراتب مطالعه تصویر ..... 26

1.1 (4.1) توصیف پیشاشمایل نگارانه ..... 26

1.1 (4.2) تحلیل شمایل نگارانه ..... 27

1.1 (4.3) تفسیر شمایل شناسانه ..... 28

2. معنای شمایل ..... 31

2.1 (1) تعریف شمایل ..... 31

2.2 (2) منشأ شمایل ..... 34

2.2 (3) محتوای شمایل ..... 37

2.2 (4) مختصات شمایل ..... 40

2.2 (4.1) مختصات باطنی ..... 40

2.2 (4.2) مختصات ظاهری ..... 42

### بخش دوم: سوابق تاریخی

3. پیشینه شمایل های مسیحی ..... 44

3.1 (1) درآمد ..... 44

3.2 (2) مصر ..... 45

3.3 (3) یونان ..... 48

3.4 (4) روم ..... 52

4. هنر صدر مسیحی ..... 55

4.1 (1) درآمد ..... 55

4.2 (2) ویژگی های هنر صدر مسیحی ..... 56

4.3 (3) موضوعات هنر صدر مسیحی ..... 61

- 64..... نقاشی گور دخمه‌ها ..... 4. 4
- 67..... نمادپردازی در هنر صدر مسیحی ..... 5. 4
- 67..... درآمد ..... 1. 5 . 4
- 68..... نگرش مسیحیان به نماد ..... 2. 5. 4
- 69..... بازتاب نمادها در شمایل‌نگاری مسیحی ..... 3. 5. 4
- 75..... تفسیر نمادها ..... 4. 5. 4

- 78..... هنر بیزانس ..... 5. 5
- 78..... درآمد ..... 1. 5
- 81..... شمایل‌نگاری بیزانسی ..... 2. 5
- 81..... شمایل‌نگاری عصر کنستانتین ..... 1. 2. 5
- 84..... شمایل‌نگاری عصر پس از کنستانتین ..... 2. 2. 5
- 86..... شمایل‌شکنی ..... 3. 5

### بخش سوم: مبانی الهیاتی - فلسفی

- 90..... کتاب مقدس ..... 6. 6
- 90..... درآمد ..... 1. 6
- 92..... کتاب مقدس و تصویر ..... 2. 6
- 92..... صور خیال در کتاب مقدس ..... 1. 2. 6
- 93..... معنای تصویر در کتاب مقدس ..... 2. 2. 6
- 99..... مبادی زیبایی‌شناسانه کتاب مقدس ..... 3. 6
- 99..... عهد عتیق ..... 1. 3. 6
- 99..... معنای زیبایی در سفر پیدایش ..... 1. 1. 3. 6
- 100..... معنای زیبایی در کتاب حکمت سلیمان ..... 2. 1. 3. 6
- 101..... سایر کتاب‌های عهد عتیق ..... 3. 1. 3. 6
- 101..... مقایسه مفهوم زیبایی از دیدگاه فرهنگ عبری و فرهنگ یونانی ..... 4. 1. 3. 6
- 103..... یونانی ..... 103
- 105..... عهد جدید ..... 2. 3. 6

- 108..... سنت ..... 7. 7
- 108..... تعریف سنت ..... 1. 7
- 109..... اهمیت سنت ..... 2. 7
- 112..... کلیسا و سنت ..... 3. 7
- 113..... مؤلفه‌های سنت ..... 4. 7
- 113..... آموزه‌های کتاب مقدس ..... 1. 4. 7

- 114..... 2. 4. 7 اعتقادنامه‌های شوراهای هفت‌گانه وحدت کلیساها
- 114..... 3. 4. 7 شوراهای پس از هفتمین شورا (787)
- 114..... 4. 4. 7 اعتقادات آبای کلیسا
- 115..... 5. 4. 7 آیین عشای ربانی
- 115..... 6. 4. 7 قوانین شرعی
- 115..... 7. 4. 7 شمایل
- 116..... 5. 7 سنت و شمایل‌های مسیحی

- 119..... 8. کلیسا
- 119..... 1. 8 معنا و پیشینه کلیسا
- 122..... 2. 8 مکان مقدس در عهد عتیق و عهد جدید
- 122..... 1. 2. 8 درآمد
- 123..... 2. 2. 8 مکان مقدس در عهد عتیق
- 124..... 3. 2. 8 مکان مقدس در عهد جدید
- 125..... 3. 8 قداست کلیسا
- 127..... 4. 8 جایگاه شمایل در کلیسا

- 129..... 9. آموزه تجسد (وحی)
- 129..... 1. 9 درآمد
- 130..... 2. 9 آموزه تجسد
- 130..... 1. 2. 9 ریشه اساطیری و تاریخی آموزه تجسد
- 131..... 2. 2. 9 آموزه تجسد در عهد جدید
- 133..... 3. 2. 9 تجسد در آموزه‌های کلیسا
- 134..... 3. 9 تجلی آموزه تجسد در شمایل‌های مسیحی

- 137..... 10. جایگاه عالم مادی در اندیشه مسیحی
- 137..... 1. 10 شأن ماده در اندیشه مسیحی
- 138..... 2. 10 ماده و خلقت
- 139..... 3. 10 ماده و تجسد
- 140..... 4. 10 رابطه خداوند با مخلوقات
- 142..... 5. 10 خداگونگی انسان
- 143..... 6. 10 ماده به‌مثابه تصویر تقلیدی

- 146..... 11. زیبایی‌شناسی آبای صدر مسیحی کلیسا
- 146..... 1. 11 زمانه آبای صدر مسیحی کلیسا
- 148..... 2. 11 آبای صدر مسیحی کلیسا و فلسفه یونانی

- 151..... 3. 11 مسیح‌شناسی آبای صدر مسیحی کلیسا
- 154..... 4. 11 آموزه‌های آبای صدر مسیحی کلیسا در باب زیبایی و هنر
- 154..... 1. 4. 11 تلقی آبای کلیسا از هنر
- 156..... 2. 4. 11 زیبایی از منظر آبای کلیسا
- 161..... 3. 4. 11 زیبایی‌شناسی نور از منظر آبای کلیسا
- 163..... 4. 4. 11 زیبایی به‌مثابه نماد
- 165..... 12. زیبایی‌شناسی بیزانسی - روسی
- 165..... 1. 12 زمینه مباحث زیبایی‌شناسانه
- 167..... 2. 12 آموزه‌های زیبایی‌شناختی متفکران بیزانسی
- 171..... 3. 12 زیبایی‌شناسی مذهبی روس
- 174..... 13. ادله موافق و مخالف شمایل‌شکنی
- 174..... 1. 13 دلایل پیدایی شمایل‌شکنی
- 176..... 2. 13 ادله مخالفین شمایل‌ها
- 180..... 3. 13 پاسخ‌های مدافعان شمایل‌ها
- 183..... 1. 3. 13 اندیشه‌های نوافلاطونی و مدافعین شمایل‌ها
- 187..... بخش چهارم: نتیجه‌گیری
- 193..... بخش پنجم: تساویر
- 212..... بخش ششم: کتاب‌نامه

## چکیده:

در این رساله ابتدا به تعریف شمایل‌نگاری و رهیافت‌های شمایل‌نگاری پرداخته می‌شود. سپس از میان رهیافت‌های مختلف، الگوی اروین پانفسکی و تقسیم مراتب مطالعه تصویر به سه سطح توصیف پیشاشمایل‌نگارانه، تحلیل شمایل‌نگارانه و تفسیر شمایل‌شناسانه به عنوان روش رساله پذیرفته می‌شود. همچنین در تعریف شمایل دو معنای اعم و اخص برای این واژه ذکر می‌شود که با توجه به مطالعات محققان پیشین، شمایل به معنای خاص که به مسیحیت شرقی اختصاص دارد، مدنظر قرار می‌گیرد و مباحثی در زمینه محتوا و مختصات ظاهری و باطنی آن طرح می‌شود.

علاوه بر این مقدمات، رساله حاضر دربردارنده دو بخش کلی دیگر است که به ترتیب به سوابق تاریخی و مبانی الهیاتی - فلسفی می‌پردازد. در بخش سوابق تاریخی، ابتدا پیشینه شمایل‌های مسیحی در تمدن‌های مصر، یونان و روم مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به تأثیر هنر این تمدن‌ها بر هنر صدر مسیحی و بیزانس پرداخته می‌شود. در این بخش زبان نمادین هنر صدر مسیحی به‌عنوان مشخصه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد که در سده‌های بعدی بر زبان و بیان شمایل‌های مسیحی تأثیر بسیاری گذاشت. بخش سوم رساله به مبانی الهیاتی - فلسفی اختصاص دارد. در این بخش از ملاحظات روش‌شناختی و سوابق تاریخی بهره گرفته می‌شود تا با توجه به آنها مبانی شمایل‌ها مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدای این بخش به رویکرد کتاب مقدس در قبال تصویر و زیبایی پرداخته می‌شود و سپس مبادی زیبایی‌شناسانه کتب مختلف عهد عتیق و عهد جدید ذکر می‌گردد. علاوه بر این، به مسأله سنت نیز اشاره

می‌شود که در کنار کتاب مقدس، یکی از دو منشأ وحی در کلیسای شرق است و شمایل‌ها یکی از مؤلفه‌های هفت‌گانه سنت به‌شمار می‌روند. در فصول دیگر این بخش موضوعاتی نظیر کلیسا، آموزه‌های تجسد، شأن ماده در اندیشه مسیحی، زیبایی‌شناسی آبای صدر مسیحی کلیسا و زیبایی‌شناسی بیزانسی - روسی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند. فصل آخر این بخش نیز به ذکر دلایل موافق و مخالف شمایل‌ها در جریان نهضت شمایل‌شکنی اختصاص دارد.

در نهایت از میان مؤلفه‌های مختلف موجود در سنت مسیحی، سه مؤلفه آموزه تجسد در الهیات مسیحی، رواج فلسفه نوافلاطونی در عالم مسیحیت و الهیات مبتنی بر تجربه دینی و سنت در نظر مسیحیان شرقی به عنوان مهم‌ترین مبانی الهیاتی - فلسفی شمایل در هنر مسیحی شمرده می‌شوند.

**کلید واژه‌ها:** شمایل، شمایل‌نگاری، هنر صدر مسیحی، هنر بیزانسی - روسی، کتاب مقدس، سنت،

کلیسا، تجسد، زیبایی‌شناسی آبای کلیسا، زیبایی‌شناسی مذهبی و شمایل‌شکنی.

## مقدمه

1- متون متعددی در زمینه هنر مقدس به طور کلی و هنر مقدس مسیحی به طور خاص وجود دارند که هریک از منظرهای مختلفی به آن نگریسته‌اند. به عنوان نمونه هنر مسیحی را از دیدگاه تاریخی، زیبایی‌شناختی، جامعه‌شناختی یا باستان‌شناختی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و از این دیدگاه‌ها به توصیف و تفسیر آن هنر پرداخته‌اند. با اینکه تمامی دیدگاه‌های فوق در جهت توصیف و ارزیابی آثار هنری مفید فایده‌اند، اما اگر صرفاً با چنین دیدگاه‌هایی به بررسی هنر مسیحی به عنوان یک هنر مقدس بپردازیم، تنها به جنبه‌های ظاهری آن هنر اکتفا کرده‌ایم و از درک معانی باطنی آن مغفول مانده‌ایم. به طور کلی، برخورداری یک هنر از ظاهر یا موضوعی مذهبی سبب نمی‌شود تا بر آن عنوان هنر مقدس اطلاق گردد، بلکه «زبان صوری» آن هنر نیز باید بر منشأیی الوهی دلالت نماید. بنابراین ملاک در هنر مقدس، «صورتی» است که از منشأیی مافوق زمینی اخذ می‌شود. به بیان دیگر: «هنگامی که مورخان هنر، اصطلاح «هنر مقدس» را برای هر اثری به کار می‌برند که دارای موضوع دینی است، از این امر غافلند که هنر اساساً «صورت» است. هنر به معنای دقیق کلمه صرفاً از این حیث که موضوعاتش ریشه در حقیقتی معنوی دارد، نمی‌تواند «مقدس» نامیده شود؛ همچنین زبان صوری آن نیز باید گواهی بر همین منشأ

باشد» (Burckhardt, (2006), p. 1).



با توجه به ملاک زبان صوری، هنر مقدس با زبان و بیان امر قدسی یا وحی رابطه مستقیم دارد. این زبان و بیان که از تجلیات مختلفی برخوردار است، در هر دین و زمانه‌ای در صورت‌های هنری خاصی تجلی می‌یابد. به‌عنوان نمونه از آنجا که وحی در عالم یهودیت بر هیچ مؤلفه بصری استوار نبود، بنابراین در آیین یهود هنرهای تجسمی مجال ظهور و بروز نیافتند و صرفاً به سبب جنبه‌های ملفوظ وحی و تأکید عهد عتیق بر موسیقی، تنها هنر موسیقی در این دین جایز شمرده شد. در عالم مسیحیت به سبب رواج آموزه تجسد «کلمه خداوند»، وحی نیز با همین آموزه تجسد معنا می‌گردد و اساساً با آن یکسان انگاشته می‌شود، بنابراین شاهد آموزه‌های الهیاتی در دفاع از رواج هنرهای تجسمی در عالم مسیحی هستیم. در اسلام نیز هنر مقدس از وحی نشأت یافته است. تأکید اسلام بر وحی ملفوظ و حفظ طابق النعل بالنعل آن سبب گردید تا هنر خوشنویسی در سرتاسر مرزهای عالم اسلام به‌عنوان مهم‌ترین هنری مطرح شود که به بیان آموزه‌های دین اسلام می‌پردازد و رها از مؤلفه‌های التقاطی باشد. از این حیث هنر خوشنویسی از بطن آموزه‌های وحیانی دین اسلام پدید آمده است.

با توجه به نمونه‌های فوق در هریک از ادیان توحیدی، به مصادیق متعدد و مختلف هنری برمی‌خوریم که هریک از این مصادیق هنری با زبان و بیان امر قدسی در آن دین رابطه‌ای مستقیم دارند. البته به همان نسبت که در دین‌شناسی تطبیقی نمی‌توان در مسأله وحی، قرآن را با کتاب مقدس مقایسه نمود، بلکه می‌باید آن را با آموزه تجسد مورد مقایسه قرار داد، در بررسی تطبیقی هنر مقدس نیز نمی‌توان شمایل‌های مسیحی را با نگارگری اسلامی مقایسه نمود، بلکه از این منظر می‌باید به خوشنویسی اسلامی توجه کرد.

چنانکه ملاحظه نمودید، هنر مقدس از دو مؤلفه بنیادین برخوردار است: نخست اینکه دربرگیرنده آن

ذات جاودانه و بی‌زمان امر قدسی است و به‌طور کلی بازتاب وحی است؛ دو دیگر اینکه در عین حال از صور و شیوه‌های بیانی متنوع و متکثری برخوردار است (Ouspensky, (1978), p. 11). با این وصف در هر هنر مقدسی، زبان صوری آن هنر در درجه اول از اهمیت قرار دارد و نباید صرفاً به جنبه‌های متکثر ظاهری توجه نماییم؛ چرا که این جنبه‌های ظاهری مبتنی بر ذاتی جاودانه و ازلی‌اند.

همانگونه پیشتر اشاره شد، زبان و بیان هنر مقدس مسیحی نیز با تلقی مسیحیان از آموزه تجسد (وحی) سازگار است؛ به‌طوری که تجسد به عنوان مهم‌ترین آموزه الهیات مسیحی، مهم‌ترین دلیل برای توجیه شمایل‌ها نیز بوده است. اگر این آموزه را از الهیات مسیحی حذف نماییم، قادر به توجیه شمایل‌ها از منظر الهیات مسیحی نخواهیم بود. همچنان‌که در فصول مختلف این رساله ملاحظه می‌کنید، تقریرهای مختلف از آموزه تجسد در موافقت یا مخالفت با شمایل‌ها تأثیر مستقیم داشتند.

اساساً مسیحیت شرقی، شمایل‌ها را در راستای اقتدا به مسیح می‌داند و به این گفتار پولس قدیس استناد می‌کند: «پس به من اقتدا کنید، چنان‌که من نیز به مسیح اقتدا می‌کنم» (رساله اول به قرنتیان 11: 1). از این منظر «تصویر الهی کامل در مسیحیت، صورت انسانی مسیح است؛ بنابراین این مسأله مطرح می‌شود که هنر مسیحی صرفاً یک غایت داشته باشد: استحاله انسان و استحاله عالمی که وابسته به انسان است به‌واسطه اقتدای به مسیح» (Burckhardt, (2006), p. 2).

با توجه به آموزه فوق در عالم مسیحی، در این هنر نیز همچون هنر مقدس ادیان و آیین‌های دیگر، هدف از شمایل‌سازی و تمثال‌نگاری ایجاد «صورت الهی» از انسان است و به شدت با شبیه‌سازی انسانی که بر روی زمین حیات دارد، مخالف است. حتی در فرهنگ‌های بدوی نیز تمثال نیاکان را به تقلید از صورت‌های الهی می‌ساختند و بر این امر تشویق می‌نمودند که هدف از تمثال نیاکان شبیه‌سازی صرف

نیست (Coomaraswamy, (1956), p. 117).

همانند هنرهای مقدس دیگر ادیان، یکی از مهم‌ترین معیارهای هنر مسیحی رابطه میان تصویر با متون مقدس و عبادی است. همچنین تعالیم نهادهای مذهبی، مقدسین و اولیاء نیز در شکل‌گیری این هنر مؤثرند. از این لحاظ بررسی مبانی الهیاتی، فلسفی و عرفانی یا به تعبیر کلی‌تر مبانی حکمی آن هنر ضروری به نظر می‌آید. بنابراین، اگر صرفاً از جنبه تاریخی و با توجه به مسائل فنی به این هنر بنگریم، قادر به برقراری ارتباط با روح کلی و جوهره این هنر نخواهیم بود و صرفاً شکل ظاهری و نه زبان و ماهیت این هنر را مورد بررسی قرار داده‌ایم. از این رو، توجه به مبانی و آموزه‌هایی که این هنر در دل آن‌ها پدید آمده است، ناگزیر به نظر می‌آید.

2- در عنوان این رساله تعمداً لفظ «شمایل» به جای «شمایل‌نگاری» به کار رفته است. چنانکه در فصل دوم این رساله نیز شرح داده شده است، اصطلاح شمایل به معنای عام و خاص در تاریخ هنر و مطالعات هنری کاربرد دارد: شمایل به معنای عام آن بر کلیه تصاویر مذهبی، تمثال‌ها و هر آن چیزی دلالت می‌کند که در شمایل‌نگاری آیین‌ها، مذاهب و باورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما شمایل به معنای خاص صرفاً به مسیحیت شرقی تعلق دارد و در نتیجه شامل آثار هنری غرب مسیحی نمی‌شود. از این رو، در بسیاری از کتاب‌های مرجع از جمله *دایره‌المعارف دین و پیراسته میرچا الیاده*، دو مدخل مجزا تحت عناوین «*Icons*» و «*Christian Iconography*» در نظر گرفته شده است. همین مسأله تفکیک دقیق و ظریف شمایل به معنای عام و خاص آن را نشان می‌دهد.

مسیحیان شرقی در این تفکیک تا بدانجا پیش می‌روند که از آثار نقاشی مذهبی غرب مسیحی تحت

عنوان «تمثال» (Portrait) یاد می‌کنند و به هیچ‌وجه آن آثار را ذیل عنوان «شمایل» نمی‌گنجانند. چرا که در سنت شرق مسیحی، شمایل یک تصویر معمولی یا یک امر تزئینی و حتی تصویرسازی کتاب مقدس و متون دینی نیست، بلکه متعلق اعمال عبادی و جزء مکمل این اعمال به‌شمار می‌رود (Ouspensky, (1978), p. 10).

به‌طور کلی مسیحیت شرقی شمایل را بازتاب سنت مقدس موجود در کلیسا می‌داند و از حیث ارج و اعتبار از مقامی هم‌سنگ متون مکتوب و سنت شفاهی برخوردار است. به‌نحوی که کتاب مقدس را «شمایل مکتوب» دانسته‌اند و آبای هفتمین شورای کلیسایی نیز بر این مسأله که شمایل به بیان واقعیتی مشابه با متون مقدس می‌پردازد، صحه گذاشته‌اند. با توجه به این مسائل، مسیحیان شرقی بر این باور بودند که با ترویج شمایل‌ها می‌توان بسیاری از آموزه‌های الهیات مسیحی را به نسل‌های آتی منتقل ساخت.

لغت «icon» که در زبان فارسی به «شمایل» برگردانده می‌شود، دارای پیشینه‌ای جالب توجهی در ادبیات فارسی و عربی است که در اینجا به ذکر مختصر آن اکتفا می‌شود. لغت شمایل (شمائل) دو بار در قرآن تکرار شده است، یک بار در آیه هفدهم سوره اعراف، و دیگر بار در آیه چهل و هشتم سوره نحل. این لغت در هر دو آیه به معنای چپ در مقابل راست است. در ادبیات عرب نیز هم به معنای چپ و دست چپ و هم به معنای خوی و سرشت پسندیده است. شواهدی از شعر دوران جاهلی و اسلامی نیز بر این دو معنا دلالت می‌کنند. اما در نمونه‌هایی از قرن چهارم هجری، شمایل در ادبیات عرب به معنای عکس و تصویر و صورت زیبا به کار رفته است.

در ادبیات فارسی نیز به استناد برهان قاطع، هم معانی موجود در ادبیات عرب را دربرمی‌گرفته و هم با

شکل، شاخ نورسته و درخت و جوی کوچک مترادف است. در لغت‌نامهٔ دهخدا و فرهنگ معین نیز با استناد به شواهد موجود در لغت‌نامه‌های قدیم و متون نظم و نثر ادب فارسی به تمامی این معانی به کار رفته است. اما با توجه به متون نظم و نثر چنین به نظر می‌آید که استعمال شمایل به معنای شکل و صورت و زیبایی ظاهری بیشتر از باقی موارد بوده است.<sup>1</sup>

3- رسالهٔ حاضر به سه بخش کلی تقسیم می‌شود: بخش نخست به ملاحظات روش‌شناختی اختصاص دارد. در این بخش ضمن تعریف شمایل‌نگاری رهیافت‌های شمایل‌نگاری شرح داده شده است. از آنجا که در میان رهیافت‌های مختلف، نظریه اروین پانفسکی - علی‌رغم نقائص و انتقادهایی وارد بر آن - با موضوع این رساله سازگارتر بود، تلاش شد تا مطابق با الگوی پانفسکی، مراتب مطالعهٔ تصویر به سه بخش «توصیف پیشاشمایل‌نگارانه»، «تحلیل شمایل‌نگارانه» و «تفسیر شمایل‌شناسانه» تقسیم شود. با توجه به محدودهٔ این رساله از میان این مراتب، در درجهٔ نخست به «تحلیل شمایل‌نگارانه» توجه داشته و سپس با توجه به ضرورت بحث مورد نظر به «تفسیر شمایل‌شناسانه» نیز پرداخته شده است. البته لازم به توضیح است که هدف از این بخش به هیچ‌وجه شرح آرای پانفسکی نبوده است و تنها در حد نیاز و به اجمال به نظریات وی اشاره شده و در فصل دوم این بخش نیز معنا، منشأ، محتوا و مختصات شمایل مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم رساله به سوابق تاریخی اختصاص دارد. با توجه به اینکه هنر مسیحی را نمی‌توان از زمینه و زمانه تاریخی آن منفک دانست و این هنر همچون دیگر هنرها در چنین بستری پدید آمده است، بنابراین

---

1. کلیه توضیحات در باب معنای لغت شمایل در زبان فارسی و عربی، تلخیصی از مقدمه محمود مهدوی دامغانی بر کتاب شمائل‌النبی است، برای توضیحات کامل‌تر می‌توان به مقدمه کتاب فوق و منابع معرفی شده در آن مراجعه کرد.

ذکر سوابق تاریخی آن در شناخت آموزه‌های موجود در این هنر ضروری است.

از حیث تاریخی، هنر مسیحی در عالم هلنیستی پدید آمد و در مظاهر خود به شدت از این عالم متأثر شد. به طوری که هنر تمدن‌های مصر، یونان و روم به طور مستقیم بر هنر مسیحی تأثیر گذاشتند. در این میان حتی باورها، اعتقادات دینی و اساطیری این تمدن‌ها نیز در هنر مسیحی بروز و ظهور یافتند. البته واکنش‌های جامعه مسیحی نسبت به برخی از این باورها را نیز نباید نادیده انگاشت، چرا که مسیحیان اولیه تحت تأثیر یهودیان نسبت به بسیاری از این مظاهر نیز موضعی سلبی اتخاذ کردند.

علاوه بر هنر تمدن‌های فوق، از هنر صدر مسیحی نیز در تأثیرگذاری بر شمایل‌های سده‌های بعدی نیز نباید غافل ماند. هنر صدر مسیحی تنها به انتقال و بیان آموزه‌های دینی توجه داشت، به نحوی که در این دوران، هنر و زیبایی ارزش فی‌نفسه نداشت، بلکه بیان مسائل معنوی، الوهی و حقایق مذهبی در مرتبه نخست از اهمیت قرار داشتند. موضوعات و زبان نمادین این هنر، گواه این مدعاست.

نقطه اوج شمایل‌های مسیحی در عصر بیزانس و ادامه میراث بیزانسی در روسیه است. در فصل پنجم از آنجا که هدف وقایع نگاری صرف هنر نبوده، به اجمال خصوصیات هنر این دوران شرح داده شده است. در این دوران نهضت شمایل‌شکنی شکل می‌گیرد که از مهم‌ترین تحولات فرهنگ بیزانسی هم در زمینه هنر و هم در زمینه مباحث مرتبط با الهیات مسیحی است. نهضت شمایل‌شکنی در این دوران علاوه بر ادله الهیاتی، از ادله سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز برخوردار بود. به طوری که حتی این نهضت را جدالی میان فرهنگ تصویری یونانیان و فرهنگ انتزاعی سنت عبری دانسته‌اند.

بخش سوم این رساله به طور خاص به مبانی الهیاتی - فلسفی اختصاص دارد. در این بخش از ملاحظات روش‌شناختی و سوابق تاریخی بهره گرفته می‌شود تا مبانی شمایل‌های مسیحی تبیین شود. در ابتدای

این بخش نیز رویکرد کلی کتاب مقدس نسبت به بحث تصویر و زیبایی مورد بحث قرار می‌گیرد. معانی تصویر در کتب مختلف عهد عتیق و عهد جدید ذکر و سپس مبانی زیبایی شناسانه این کتاب‌ها بررسی می‌شود. با توجه به تقابل مفهوم زیبایی از دیدگاه فرهنگ عبری و فرهنگ یونانی و تأثیرگذاری این دو فرهنگ بر عالم مسیحی، به مقایسه تلقی‌های موجود از بحث زیبایی در این فرهنگ‌ها نیز پرداخته می‌شود. در این بخش به این مسأله اشاره می‌شود که معیارهای عهد عتیق در زمینه زیبایی در عهد جدید نیز تکرار شدند و زیبایی‌شناسی مسیحی نیز به همان مواردی استناد می‌کند که پیش‌تر در فرهنگ یونانی و عبری سابقه داشتند و از این رهگذر به تعابیر عهد عتیق و سپس عهد جدید نیز راه یافتند.

فصل هفتم به مسأله سنت اختصاص یافته است. در مسیحیت شرقی واژه سنت هم بر «مضمون منتقل‌شده» و هم بر «روش انتقال» آن مضمون دلالت دارد. مشخصه سنت نیز ثبات و دوام آن است و از این منظر باورها، آموزه‌ها، نیایش‌ها و شمایل‌ها و مواردی از این دست با دقت کم‌نظیری به نسل‌های آتی منتقل می‌شوند. وظیفه کلیسا در این طرز تلقی، حفظ سنت و درک عمیق آن است. بدین خاطر از سنت موجود در کلیسا تحت عنوان واقعیت زنده یا حیات روح‌القدس یاد می‌کنند که به پیروان مسیح قوه درک و دریافت حقیقت را می‌بخشد. همچنین سنت در کنار کتاب مقدس یکی از دو منشأ وحی در مسیحیت است. رابطه شمایل با سنت از این منظر نیز اهمیت دارد که شمایل یکی از مؤلفه‌های هفت‌گانه سنت است که در آن‌ها نقاش مطابق سنت و نه برداشت فردی خود به ترسیم شمایل‌ها می‌پردازد.

فصل هشتم به موضوع کلیسا می‌پردازد. کلیسای شرقی به منظور نشان دادن اینکه کلیسا جسم مسیح و مکانی مقدس است و به‌علاوه به منظور اذعان به تداوم و حضور مسیح در کلیسا، از شمایل‌ها بهره می‌گیرد. در نظر مسیحیان شرقی، زندگی و حیات عبادی کلیسا مجزا از تصویر نیست، بلکه تصویر، لطف

الهی را تجسم می‌بخشد.

وحی و تجسد که در فصل نهم مورد بررسی قرار می‌گیرد، به این باور مسیحیان اشاره دارد که شخص مسیح در زندگی و زمانه خود، خدا را منکشف می‌سازد و اراده الهی را در مورد بشر بیان می‌کند؛ در این شیوه نگرش، وحی به واسطه تجسد خداوند ابلاغ می‌شود. بنابراین از منظر مسیحیان کامل‌ترین وحی نه در کتاب مقدس، بلکه در انسان منعکس شده است. با توجه به این آموزه مسیحیان، شمایل‌ها یکی از مشخصات اصلی این دین را در خود دارند. چرا که مسیحیان شرقی، شمایل‌ها را مبتنی بر تجسد فرد دوم تثلیث می‌دانند.

فصل دهم به جایگاه عالم مادی در اندیشه مسیحی اختصاص دارد. در این فصل ذکر می‌شود که در اندیشه مسیحی، انسان به عنوان تصویر خداوند انگاشته شده است و متفکران مسیحی نیز بر فضیلت جسم انسان تأکید دارند. به طوری که آنان برخلاف سنت‌های ماقبل و موجود در زمانه‌شان، برای ماده شأن والایی قائل بودند و بر شرافت ماده اذعان داشتند. حتی بر این اعتقاد بودند که چون ماده را خیر مطلق پدید آورده، بنابراین از زیبایی صورت و نظم نیز برخوردار است. بسیاری از آموزه‌های مسیحی بر اساس شأنیت ماده در آن سنت شکل گرفتند که از آن جمله می‌توان به رابطه خدا و مخلوقات، تجسد، خداگونگی انسان و غیره اشاره داشت. در این اندیشه وجود شمایل‌ها نیز با توجه به اهمیت عالم مادی توجیه می‌شوند.

زیبایی‌شناسی آبای کلیسا موضوع مورد تحقیق فصل یازدهم است. لازم به توضیح است که در کل این رساله مقصود از واژه «زیبایی‌شناسی»، دقیقاً علم ادراک حسی یا *Aesthetics* به معنای قرن هجدهمی آن نیست، بلکه فلسفه زیبایی یا مباحث نظری در قلمرو زیبایی مد نظر است.



در این فصل ضمن توجه به زمانه آباي كليسا و تأثير پذيری آنان از فلسفه يونانی، به مسيح‌شناسی آباي كليسا نیز اشاره شده است. علاوه بر این، موضع‌گیری آنان نسبت به هنر زمانه‌شان که به تبليغ آموزه‌های دوران باستان و کافر کيشی می‌پرداخت، مورد توجه قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که آباي كليسا نظریه نظام‌مند و منسجمی را در زمینه هنر ارائه ندادند، بلکه تأثير پذيری آنان از نظام نوافلاطونی منجر به این امر شد که در زمینه زیبایی از نظریه نسبتاً منسجم و مدون‌تری برخوردار باشند. در این میان دیونیسیوس مجعول نظام‌مندترین تصور را از زیبایی در میان آباي كليسا ارائه کرد؛ به نحوی که آرای او بر مدافعین شمایل‌ها، بیشترین تأثير را به جای گذاشت.

فصل دوازدهم که به زیبایی‌شناسی بیزانسی - روسی اختصاص دارد به ذکر بازتاب آموزه‌های الهیاتی - فلسفی موجود در هنر آن دوران می‌پردازد. زیبایی‌شناسی بیزانسی تحت تأثير سه میراث قرار داشت: نخست میراث کلاسیک یونان و روم، دوم میراث کتاب مقدس و سوم آموزه‌های آباي صدر مسیحی كليسا، متفکران بیزانس این موارد را در یک نظام جامع گرد آوردند که بازتاب آن‌ها را می‌توان به‌طور خاص در شمایل‌های بیزانسی ملاحظه نمود. زیبایی‌شناسی روسی نیز همچون شمایل‌های روسی که ادامه شمایل‌های بیزانسی به‌شمار می‌روند، در زمینه مباحث زیباشناختی ادامه دهنده همان سنت‌اند.

فصل آخر علاوه بر دلایل پیدایی شمایل‌شکنی، به ذکر ادله الهیاتی - فلسفی موافقین و مخالفان شمایل‌ها در جریان نهضت شمایل‌شکنی می‌پردازد. در این فصل قرائت‌های مختلف از آموزه تجسد، همچنین رواج برخی عادات و بدعت‌ها در زمینه پرستش و تقدیس شمایل‌ها و سوءتعبیر از معنای شمایل از دلایل پیدایی این نهضت برشمرده می‌شوند. علاوه بر این، دفاعیات یوحناي دمشقی و تئودور استودیوس در دفاع از شمایل‌ها ذکر می‌شود که این دو با استفاده از نظام فلسفی نوافلاطونی به دفاع از شمایل‌های

مسیحی پرداختند.

4- آنچنانکه از عنوان این رساله برمی آید، مبانی الهیاتی - فلسفی شمایل در هنر مسیحی مدنظر مؤلف است، اما در فصول مختلف مبانی الهیاتی از مبانی فلسفی تفکیک نشده‌اند. دلیل این امر هم به متفکران مسیحی بازمی‌گردد، چرا که متفکران مسیحی اساساً تمایز چندان روشنی میان الهیات و فلسفه نمی‌گذاشتند (کاپلستون، (1387)، ص 19). متفکران مسیحی در مواجهه با یهودیان به مباحث صرف الهیاتی توجه داشتند اما در مواجهه با اندیشه یونانی و حملات مشرکان به مسیحیت، ناگزیر به بهره‌گیری از مبانی نظری و فلسفی بودند. از این حیث در آراء مدافعان مسیحیت و آباء کلیسا می‌توان مؤلفه‌های فلسفی را جست، اما با این حال نباید انتظار داشت که آباء کلیسا نظام فلسفی جامعی را پدید آوردند. از این‌رو، از آنجا که تفکیک مباحث صرف فلسفی از مباحث الهیاتی با روح اندیشه مسیحی آن دوران چندان سازگار نبوده، در فصول مختلف این رساله نیز از منفک ساختن این دو از هم احتراز شده است.

بخش اول

ملاحظات روش شناختی

## 1. روش و رهیافت شمایل‌نگاری

### 1.1) تعریف شمایل‌نگاری

شمایل‌نگاری (iconography) از حیث لغوی به معنای شرح و وصف تصویر است. *icon* متخذ از *eikon* یونانی به معنای تصویر یا تمثال و پسوند *graphy* متخذ از *graphein* یونانی به معنای توصیف‌نمودن، نگاشتن یا حک کردن روی لوح یا موم است. علاوه بر این، به تحقیقاتی در تاریخ هنر اشاره دارد که معانی متکثر و مختلف تصاویر را طرح می‌کنند و مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین در استعمال مدرن به معنای توصیف یا تفسیر محتوایی آثار هنری و ارتباط آن با اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌های بشری است. اروین پانفسکی<sup>1</sup> شمایل‌نگاری را شاخه‌ای از مطالعات تاریخی در زمینه هنر می‌داند که با "موضوع یا معنای آثار هنری در مقابل فرم یا صورت‌آنها" سر و کار دارد (Panofsky, (1955), p. 26).

استفاده و بهره‌مندی از شمایل‌نگاری را از قدیم‌ترین ازمینه تا روزگار کنونی می‌توان مشاهده نمود، به نحوی که هم می‌توان آن را در ادیان باستانی و مردمان بدوی یافت و هم در ادیان ابراهیمی و حتی هنر امروز. گستره و تنوع بهره‌گیری از شمایل‌نگاری از دلایل متعددی برخوردار است؛ مثلاً مردمان بدوی از شمایل‌نگاری در راستای دفع شرور و به عنوان حامی یک قبیله یا قوم استفاده می‌کردند، یا در ادیان و

---

1. Erwin Panofsky